



اقتصاد بین‌الملل



اعتراف آمریکا به سرقت روزانه نفت ایران

آمارهای وزارت انرژی آمریکا نشان می‌دهد این کشور در ۱۰ ماهه سال ۲۰۲۳ میلادی معادل ۶ هزار بشکه در روز نفت ایران را سرقت کرده و بیش از نیم درصد واردات نفت خود از اوپک را با مصادره نفت ایران تأمین کرده است. به گزارش «ایران اقتصادی»، اداره اطلاعات انرژی آمریکا در جدیدترین گزارش خود از واردات ۷۵۲ هزار بشکه نفت خام ایران توسط این کشور در دهمین ماه سال ۲۰۲۳ خبر داده است.

این آمار مربوط به محموله سرقتی نفت ایران توسط امریکا است که به بهانه تحریم‌ها توقیف شده است. در ماه سپتامبر نیز ۵۳۰ هزار بشکه و در ماه اگوست ۴۴۷ هزار بشکه نفت ایران در آمار رسمی واردات نفت آمریکا ثبت شده بود. بر این اساس، به اذعان این نهاد وابسته به وزارت انرژی آمریکا کل نفت سرقتی ایران توسط آمریکا در ماه‌های ژانویه تا اکتبر سال ۲۰۲۳ بالغ بر یک میلیون و ۷۲۹ هزار بشکه معادل ۶ هزار بشکه در روز بوده است. سهم نفت ایران از کل نفت صادراتی اوپک به آمریکا در ۱۰ ماهه ۲۰۲۳ بیش از ۰٫۵ درصد بوده است. به عبارت دیگر آمریکا بیش از نیم درصد نیاز وارداتی خود به نفت اوپک را با سرقت نفت ایران تأمین کرده است. کل نفت دزدی ایران توسط آمریکا در این دوره بیشتر از واردات رسمی نفت دو عضو دیگر اوپک یعنی کینه استوایی و گابن توسط آمریکا بوده است. همچنین امارات فقط ۲٫۵ برابر بیشتر از نفت سرقتی ایران به آمریکا نفت صادر کرده است.



رشد ۱۸ درصدی ورشکستگی آمریکایی‌ها

پرونده‌های ورشکستگی در آمریکا در سال ۲۰۲۳ میلادی به دلیل نرخ بالای بهره، وام دهی سخت‌تر و قطع کمک‌های دوران همه‌گیری کرونا، ۱۸ درصد افزایش یافته است. به گزارش «ایران اقتصادی»، با این حال، حجم پرونده‌های ورشکستگی بسیار کمتر از سطح مشاهده شده قبل از شیوع کروناست. بر اساس آمار Epiq که ارائه‌دهنده آمار ورشکستگی‌هاست، در مجموع تعداد پرونده‌های ورشکستگی شامل ورشکستگی‌های تجاری و شخصی در سال گذشته به ۴۴۵ هزار و ۱۸۶ رسیده است که در سال ۲۰۲۲ برابر با ۳۷۸ هزار و ۳۹۰ مورد بود. تعداد ورشکستگی‌ها در آخرین ماه سال گذشته به ۳۴ هزار و ۴۴۷ مورد رسیده که ۱۶ درصد از سال ۲۰۲۲ بیشتر است. بر اساس این گزارش انتظار می‌رود، روند افزایش ورشکستگی‌ها در سال ۲۰۲۴ با توجه به توقف ارائه محرک‌های دوره همه‌گیری، افزایش هزینه دارایی‌ها، نرخ بهره بالاتر، افزایش نرخ بهره بدهی‌های معوق و رکوردزنی سطوح بدهی خانوارها ادامه داشته باشد.

آمارهای فدرال زرو نیویورک نشان می‌دهد، سطح بدهی خانوارها در پایان سه ماهه سوم سال گذشته به رقم بی‌سابقه ۱۷٫۳ تریلیون دلار رسیده است. این آمار همچنین نشان می‌دهد که نرخ بزهکاری نیز در حال افزایش است.

نرخ‌های بالاتری تواند از را با جذب سرمایه خارجی تقویت کند، در حالی که نرخ‌های پایین‌تر ممکن است ارزش آن را کاهش دهد و به طور بالقوه صادرات را تقویت کند. همچنین می‌توان از مداخلات مستقیم در بازار استفاده کرد، جایی که بانک مرکزی از خود را خریداری و یا می‌فروشد، تا بر نرخ ارز تأثیر بگذارد. مدیریت ذخایر ارزی یکی دیگر از تکنیک‌هایی است که بانک مرکزی می‌تواند بسته به نتایج اقتصادی مورد نظر، از برای کاهش ارزش پول داخلی خریداری کند و یا برای افزایش ارزش آن را بفروشد. علاوه بر این، بانک‌های مرکزی ممکن است اقدامات احتیاطی کلان را با هدف حفظ ثبات مالی انجام دهند، که اگرچه مستقیماً ارزش ارز را هدف قرار نمی‌دهد، اما می‌تواند با ایجاد یک بخش مالی قوی‌تر از ثبات ارز حمایت کند. این مداخلات ارزی اغلب بخشی از مجموعه بزرگ‌تری از سیاست‌های اقتصادی، از جمله تعدیل‌های مالی، برای ایجاد یک استراتژی اقتصادی هماهنگ است.

- بانک مرکزی ایران پس از کنترل ترانزنامه بانک‌ها و کاهش رشد نقدینگی، خواهان کنترل بازار ارز و تنظیم بازارهاست که پازل اجرای سیاست‌تثبیت‌راتکمیل خواهد کرد. در صورت اجرای کامل، سیاست تثبیت چه تأثیراتی بر اقتصاد ایران که نفت در آن نقش برجسته‌ای دارد، خواهد داشت؟

طی سال گذشته، اقتصاد ایران با نرخ تورم در اوج ۴۵٫۸ درصدی دست و پنجه نرم کرده است که چالش‌های اقتصادی قابل توجهی را به همراه داشته است. همچنین تصمیم دولت برای توقف انتشار اطلاعات دقیق تورم، نگرانی‌هایی را در مورد شفافیت ایجاد کرده بود. با این وجود، اطلاعات موجود حاکی از نرخ بالای تورم مداوم است که نرخ ماهانه قابل توجهی در آوریل گزارش شده است. کسری تجاری کالاهای غیرنفتی نیز بر اقتصاد فشار وارد کرده است. اگرچه این امر تا حدودی با صادرات نفت جبران شده است. نرخ تورم در ماه سپتامبر شاهد کاهش نهایی از ۳۹٫۸ درصد به ۳۹٫۵ درصد بود که نشان دهنده کاهش قابل توجهی نسبت به اوج سال قبل بود. کارشناسان پیش‌بینی می‌کنند که تورم در منطقه خاورمیانه و شمال آفریقا، در سال آینده یکی از بالاترین نرخ‌ها خواهد بود که ناشی از افزایش عرضه پول، کمبودهای ناشی از تحریم‌ها و ضعف بودن نرخ ارز در بازار موازی است.

بخش انرژی ایران که از کاهش تولید اوپک پلاس معاف است، از تحریم‌های کمتر ایالات متحده و رشد تقاضای انرژی چین سود می‌برد که این موضوع، احتمالاً شتاب اقتصادی اخیر را تحریک کرده باشد. به صورت کلی، روندی صعودی داشته است و در ماه ۲۰۲۳ روندی صعودی داشته است و در ماه سپتامبر به بالاترین حد خود در چند سال اخیر رسیده و صادرات نفت به چین به طور قابل توجهی بیشتر از سال قبل است. با این حال، بخش غیرانرژی همچنان با تورم بالا و کمبود منابع دست و پنجه نرم می‌کند. رویدادهای ژئوپلیتیکی چشم‌انداز اقتصادی را پیچیده‌تر کرده است. به عنوان مثال، جنگ غزه منجر به اختلال در انرژی ایران به منابع مالی قابل توجه توسط ایالات متحده شد.

در این شرایط، استراتژی بانک مرکزی ایران برای تثبیت ترانزنامه بانک‌ها و مدیریت رشد نقدینگی، گامی حیاتی در جهت ثبات اقتصاد تلقی می‌شود. تنظیم بازار ارز ادامه برای ریال ایران است که برای اقتصادی که به شدت به صادرات نفت وابسته است، حیاتی است. انتظار می‌رود که یک ارز باثبات، درآمد نفتی را پیش‌بینی پذیرتر کرده، تورم را مهار کند و با نشان دادن احتیاط و ثبات اقتصادی، سرمایه‌گذار خارجی را جذب کند. با این وجود، ثبات اقتصادی ایران صرفاً منوط به سیاست داخلی نیست. این امر همچنین به فضای ژئوپلیتیکی بین‌المللی، از جمله لغو احتمالی تحریم‌ها و تقاضای جهانی برای نفت بستگی دارد. تلافی عوامل داخلی و بین‌المللی احتمالاً به شکل‌گیری جهت‌گیری اقتصادی ایران منجر خواهد شد.



عکس: علی محمدی / ایران



● تثبیت اقتصادی به مداخلاتی اطلاق می‌شود که برای به حداقل رساندن دامنه چرخه تجاری با هدف دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، بیکاری پایین و قیمت‌های پایدار طراحی شده‌اند

● هدف سیاست تثبیت اقتصادی جلوگیری از بالا و پایین شدن شدید تحولات اقتصادی است که می‌تواند منجر به بحران‌های اقتصادی یا جهش‌های تورمی شود

● از سیاست تثبیت به عنوان مداخله هوشمندانه و هدفمند در بازارها اعم از ارز و پول یادمی‌شود. مداخله هدفمند در سیاست تثبیت به چه معناست؟ چگونه از طریق سیاست تثبیت باید بازار ارز را کنترل کنیم؟

سیاست تثبیت شامل اقدامات عمدی برای اصلاح عدم تعادل اقتصادی و ایجاد محیطی مناسب برای رشد پایدار است. در حوزه ارز و بازارهای پولی، این مداخله هدفمند در درجه اول با هدف حفظ ارزش پولی باثبات، تضمین سطوح متوسط تورم و حفظ اعتماد کلی در سیستم مالی است. برای تثبیت بازار ارز، سیاست‌گذاران بانک مرکزی، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. تعدیل نرخ بهره یک روش رایج است.



طریق افزایش نرخ بهره توسط بانک مرکزی است. نرخ‌های بهره بالاتری می‌تواند مخارج مصرف‌کننده و کسب و کار را کاهش دهد و منجر به کاهش تورم از طریق کاهش تقاضا شود. کاهش عرضه پول همچنین وام را گران‌تر می‌کند که می‌تواند فعالیت اقتصادی را بیشتر کند و فشارهای تورمی را کاهش دهد. در جنبه مالی، دولت‌ها می‌توانند هزینه‌ها را کاهش دهند و با مالیات‌ها را افزایش دهند تا تقاضای کل را کاهش دهند. کاهش داده و افت تورم کمک می‌کند. کاهش مورد انتظار در نرخ تورم پس از اجرای سیاست تثبیت را نمی‌توان به طور دقیق پیش‌بینی کرد، زیرا به عوامل مختلفی از جمله سطح اولیه تورم، واکنش اقتصاد به تغییرات سیاستی (شرایط اقتصادی، کاهش نرخ بهره و غیره) و شرایط خارجی مانند قیمت کالاها و روند اقتصاد جهانی بستگی دارد. به طور معمول، بانک‌های مرکزی با هدف کاهش نرخ تورم به آن سطح در یک افق میان‌مدت، که می‌تواند چند سال طول بکشد، اهدافی را برای تورم تعیین می‌کنند. اثربخشی و زمان‌بندی این سیاست‌ها نیز به اعتبار نهاد‌های مجری آنها و همچنین موضوعاتی مانند ثبات و شفافیت، میزان ارتباطات و خط مشی تعیین شده بستگی دارد.

● از سیاست تثبیت به عنوان مداخله هوشمندانه و هدفمند در بازارها اعم از ارز و پول یادمی‌شود. مداخله هدفمند در سیاست تثبیت به چه معناست؟ چگونه از طریق سیاست تثبیت باید بازار ارز را کنترل کنیم؟

سیاست تثبیت شامل اقدامات عمدی برای اصلاح عدم تعادل اقتصادی و ایجاد محیطی مناسب برای رشد پایدار است. در حوزه ارز و بازارهای پولی، این مداخله هدفمند در درجه اول با هدف حفظ ارزش پولی باثبات، تضمین سطوح متوسط تورم و حفظ اعتماد کلی در سیستم مالی است. برای تثبیت بازار ارز، سیاست‌گذاران بانک مرکزی، از ابزارهای مختلفی استفاده می‌کنند. تعدیل نرخ بهره یک روش رایج است.

● در میان اقدامات سیاست تثبیت چند مرحله‌ای، هدف‌نهایی کنترل نرخ تورم است. اجرای سیاست تثبیت چگونه نرخ تورم را کنترل می‌کند؟ بعد از اجرای این سیاست چقدر انتظار می‌رود تا نرخ تورم کاهش یابد؟ اجرای سیاست تثبیت برای کنترل تورم معمولاً مستلزم تشدید سیاست پولی از

کننده‌ای بر اقتصاد ملی داشته باشد. چنین سیاستی در نظر گرفته شده است تا اوج و فرود چرخه‌های اقتصادی را هموار کند و شرایط اقتصادی قابل پیش‌بینی‌تری را تضمین کند که هم به نفع مصرف‌کنندگان و هم برای مشاغل باشد. با تنظیم تورم، این سیاست‌ها از ارزش پول محافظت می‌کنند و اعتماد بازار را که برای "سلامت اقتصادی" حیاتی است، حفظ می‌کنند. تلاش‌های تثبیت‌سازی به حفظ اشتغال در سطوح بهینه کمک می‌کند، خطر بیکاری گسترده در دوران رونق برای جلوگیری از گرمای بیش از حد (overheating) مناسب است. سایر شرایطی که استفاده از آن را تضمین می‌کند، شامل بیکاری مداوم بالاتر از نرخ طبیعی، پیگیری روند‌های کاهش تورم یا زمانی که انتظارات تورمی ثابت می‌شود، است. موفقیت سیاست تثبیت اقتصادی متاثر از دقتی است که پاسخ سیاست بان‌ها کالیبره می‌شود. یک واکنش موفقیت‌آمیز باید به موقع و در حد مناسب باشد تا به طور موثر عدم تعادل اقتصادی را جبران کند. از سویی نیز اثربخشی سیاست تثبیت اقتصادی، توسط مکانیسم‌های انتقال به خوبی تعیین می‌شود که چگونه تغییرات سیاست را به اقتصاد گسترده‌تر منتقل می‌کنند، که به طور بالقوه بر اعتماد مصرف‌کننده، سطوح سرمایه‌گذاری و ثبات بازارهای مالی تأثیر می‌گذارد. علاوه بر این، وضعیت فعلی اقتصاد نقش مهمی ایفا می‌کند، به طوری که عواملی مانند سطح بدهی‌های موجود، سلامت بخش مالی و میزان باز بودن تجارت بین‌المللی، همگی در موفقیت سیاست تثبیت، محوری هستند. عوامل خارجی نیز در شکل دهی به نتایج سیاست‌های تثبیت نقش دارند به نحوی که روندهای اقتصادی جهانی، نوسانات قیمت کالاها و تغییرات نرخ ارز، در این زمینه تأثیر قابل توجهی دارند. در عین حال، اعتبار نهادی واحدها، به ویژه بانک‌های مرکزی، در مدیریت انتظارات تورمی و هدایت رفتار بازیگران اقتصادی ضروری است. در نهایت، هماهنگی سیاست‌ها در حوزه‌های پولی و مالی برای تقویت اثربخشی تلاش‌های تثبیت‌کننده ضروری است و تضمین می‌کند که سیاست‌ها به جای متضاد، متقابلاً تقویت می‌شوند.

● در میان اقدامات سیاست تثبیت چند مرحله‌ای، هدف‌نهایی کنترل نرخ تورم است. اجرای سیاست تثبیت چگونه نرخ تورم را کنترل می‌کند؟ بعد از اجرای این سیاست چقدر انتظار می‌رود تا نرخ تورم کاهش یابد؟

اجرای سیاست تثبیت برای کنترل تورم معمولاً مستلزم تشدید سیاست پولی از

● بر اساس برخی بررسی‌ها، سیاست تثبیت از سوی بیشتر سیاست‌گذاران پولی کشورهای پذیرفته شده است و بسیاری از بانک‌های مرکزی این سیاست را انتخاب می‌کنند. اجرای سیاست تثبیت اقتصادی دقیقاً چه تأثیری خواهد داشت؟

انتخاب سیاست تثبیت اقتصادی توسط مقامات پولی و بانک‌های مرکزی به گونه‌ای طراحی شده است که اثر تثبیت

«جیووانی دی بارتولومئو»، مشاور پارلمان اروپا:

سیاست تثبیت در اقتصاد ایران جواب داد

● استراتژی بانک مرکزی ایران برای تثبیت ترانزنامه بانک‌ها و مدیریت رشد نقدینگی، گامی حیاتی در جهت ثبات اقتصاد تلقی می‌شود

گفت‌وگو

پروفسور «جیووانی دی بارتولومئو»، استاد و رئیس دانشکده اقتصاد در دانشگاه ساینز ریم است. او همچنین مشاور پارلمان اروپا، عضو شورای کارشناسان وزارت اقتصاد و دارایی ایتالیا و عضو ارشد دانشکده لوئیس اقتصاد سیاسی اروپا است. او یکی از بنیانگذاران مرکز بررسی و مدل‌سازی مشاهدات تجربی (CIMEO) بود. او در سیاست‌های پولی و مالی، اقتصاد بین‌الملل، اقتصاد کلان و اقتصاد تجربی فعال است. «ایران اقتصادی»، «پیرامون اخذ نظرات اساتید و اقتصاددانان صاحب‌نظر پیرامون سیاست‌ها و برنامه‌های کلان بانک مرکزی، گفتگویی با این اقتصاددان انجام داده که در زیر می‌آید:

● جنابعالی کتابی با عنوان «پارادایم‌های کلان اقتصاد و سیاست اقتصادی» نوشته‌اید که توسط انتشارات دانشگاه کمبریج منتشر شده است. فرضیه اصلی شما در این کتاب به آن پاسخ داده‌اید چه بوده است؟

این کتاب بیان می‌کند که نظریه‌های اقتصاد کلان ذاتاً با زمینه تاریخی که در آن توسعه یافته‌اند گره خورده‌اند. به عنوان مثال، نظریه کینزی پاسخی به چالش‌های ناشی از رکود بزرگ بود، در حالی که پول گرایی واکنشی به تورم دهه ۱۹۷۰ بود. این مفهوم به بحران احتمالی مالی که خطرات نادیده گرفتن عوامل تسریع‌کننده بحران‌ها و اثربخشی سیاست‌های اعمال شده برای مقابله با آنها را برجسته می‌کند، تأکید می‌کند. سیاست‌های کلان اقتصادی در طول زمان دستخوش تحول شده‌اند و بین قطب‌های مداخله‌گرایی دولت و اقتصاد آزاد در نوسان هستند. این کتاب با ردیابی روایتی که قبل از رکود بزرگ تا بحران مالی را در برمی‌گیرد، پیوند عمیقی را بین ظهور نظریه‌های جدید اقتصاد کلان و رویدادهای اقتصادی در دنیای واقعی که باعث ایجاد آنها شد، آشکار می‌کند. این امر به شیوه‌ای قابل دسترس و منسجم انجام می‌شود. کتاب با بررسی پیشرفت تئوری‌های اقتصادی و سیاست‌گذاری آغاز می‌شود، سپس به بحث در مورد معماری نهاد‌های داخلی و بین‌المللی و همچنین مکانیسم‌های حکمرانی اقتصادی می‌پردازد.

● سیاست تثبیت اقتصادی به چه معناست و چه اهدافی را دنبال می‌کند؟ اجرای این سیاست در چه شرایطی مناسب است و چه عواملی در موفقیت آن موثر است؟

سیاست تثبیت اقتصادی به مداخلات سیاست‌گذاران اطلاق می‌شود که برای به حداقل رساندن دامنه چرخه تجاری با هدف دستیابی به رشد اقتصادی پایدار، بیکاری پایین و قیمت‌های پایدار طراحی شده‌اند. اهداف اولیه سیاست تثبیت، مقابله با تورم در دوره‌های رونق و تحریک فعالیت‌های اقتصادی در دوران رکود است. سیاست تثبیت اقتصادی شامل اقدامات سیاستی برای تعدیل نوسانات دوره‌ای یک